# Wort des Tages لغتِ روز , Die Übeltat einwerfen

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 5, 2017

Die Übeltat, -en یک اسم مونث می باشد

Aktion, die die Regeln eines Staates verletzt

آن عملی که آن قوانین یک حکومت را نقض میکند

در فرهنگ لغت های فارسی :

جرم ، خلافکاری ، تبهکاری

"Der Kriminelle ist wahrscheinlich für mehrere Übeltaten in der Region verantwortlich."

آن جنایتکار احتمالا برای تبهکاری های زیادی در منطقه ، مسئول است

Es ist eine Übeltat, sexuelle Handlungen an einer Person vorzunehmen, ohne dass diese damit einverstanden ist

این یک جرم است ، به خرید و فروش جنسی از یک شخص مبادرت بورزیم ، بدون اینکه اطلاع یا آگاهی از آن داشته باشد.

ما می توانیم از همین اسم به دو اسم دیگر برسیم :

Der Übeltäter

خطا کار ، گناه کار ، تبهکار ، مجرم ( مذکر )

Die Übeltäterin

خطا کار ، گناه کار ، تبهکار ، مجرم ( مونث )

Letzte Woche haben Übeltäter die Schaufensterscheibe des Metzgers mit einem Stein eingeworfen

هفته گذشته مجرم ها ، شیشه ی ویترین قصابی را با یک سنگ زدند و شکستند

بد نیست نگاهی داشته باشیم در پایان به اسم Die Schaufensterscheibe و همچنین فعل einwerfen

اسم مونث Schaufensterscheibe را می شود گفت که از سه اسم تشکیل شده است.

Die Schau نمایش
Das Fenster پنجره
Die Scheibe شیشه

که پس از ترکیب شدن با هم به شیشه ویترین مغازه یا فروشگاه ها در فارسی تعبیر می شود

البته نگاه دیگری به این اسم وجود دارد که گفته می شود از دو اسم تشکیل شده است یعنی :

Das Schaufenster
پنجره بزرگی که از آن می شود بیرون را تماشا کرد یا همان ویترین مغازه و فروشگاه ها

Die Scheibe
شیشه

که پس از ترکیب شدن با هم شیشه ویترین مغازه و فروشگاه ها را می سازد

اما فعل einwerfen

einwerfen یک فعل جداشدنی می باشد

با پرتاب چیزی چیز دیگری را شکستن و خرد کردن ، به داخل چیزی انداختن ، در درون ماشین سکه انداختن ( مانند دستگاه های اتومات ) ، متلک پراندن در میان صحبت کسی ( خوشمزه بازی ؟ )

گذشته ساده : warfen ein
گذشته کامل : haben eingeworfen

هر گاه معنی به داخل انداختن چیزی را بدهد ، مانند انداختن سکه با داخل دستگاه یا انداختن نامه در داخل صندوق پست

Einen Brief in den Briefkasten einwerfen

یک نامه ای را به داخل صندوق پست انداختن

تفکر آلمانی : یک نامه ای را به داخل صندوق پست پرتاب کردن

Einen Münzen in den Automaten einwerfen

یک سکه ای را به داخل دستگاه اتوماتیک انداختن

هرگاه از روی خشم چیزی را نابود کنیم یا بزنیم بشکنیم:

Durch einen Wurf zertrümmern

از روی یک خشم نابود و منهدم کردن

Eine Fensterscheibe einwerfen

یک پنجره را با پرتاب چیزی زدن و شکستن

هرگاه وسط صحبت های کسی متلک یا تکه پرانی کنیم:

Eine Bemerkung einwerfen

میان صحبت های کسی یک سخن کوتاهی انداختن یا در تفکر فارسی : در میان صحبت های کسی تکه پرانی کردن

Sie warf ein, das könne wohl nicht stimmen

او ( مونث ) میان صحبت های دیگران متلک می انداخت ، این نمی تواند در واقع خیلی صحیح و درست باشد.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :